یادداشت

قربانیان خاموش خشونت اقتصادی

بابک علیاری
فعال سیاسی

خشونت علیه زنان مقوله‌ای تأثیرگذار بر سلامت زنان و جامعه است. با توجه به اینکه در بیشتر کشورهای جهان قوانینی برای منع خشونت علیه زنان تصویب شده است اما همچنان شاهد آمار قابل توجهی از این معضل اجتماعی هستیم. خشونت عیله زنان در خانواده در محیط بسته باقیمانده و به بیرون درز پیدا نمی‌کند. چه بسا مشکلات روانی چون تنهایی، افسردگی، اضطراب، وسواس واختلال در خوردن و خوابیدن، سرزنش خود، اختلال در روابط و رفتار و همچنین مشکلات فیزیکی شبیه شکستگی ها، آسیب اندام‌های داخلی، بیماری‌های التهابی، عفونت‌ها و... از عواقب خشونت علیه زنان است. اصطلاح خشونت علیه زنان برای توصیف طیفی از اعمال از جمله قتل، تجاوز جنسی، سوءرفتار عاطفی، ضرب و شتم، قاچاق، فحشا، فحش و ناسزا و تحقیر مورد استفاده قرار گرفته است. خشونت ریشه در نابرابری جنسیتی دارد و طبیعتا در جوامع با نگرش مردسالارانه‌تر شدیدتر است. از طرفی تنوع خشونت‌های وارده بر زنان در جهان چنان موسع است که در این مقال فرصت عرض اندام نمی‌یابد لذا تنها به یکی از مهم‌ترین انواع آنکه کمتر لمس و بدان پرداخته شده و تا حدودی در دایره تخصص نگارنده است پرداخته می‌شود و آن خشونت اقتصادی است که زنان مخاطبین اصلی این نوع از خشونت هستند. خشونت اقتصادی شامل ایجاد وابستگی یا تلاش برای ایجاد وابستگی مالی زن با اعمال کنترل کامل بر منابع مالی، جلوگیری از دسترسی به پول و یا ممنوعیت حضور در مدرسه و دانشگاه یا اشتغال به کار است. عاملان خشونت سعی می‌کنند مانع استقلال قربانیان خود شوند تا بتوانند آنها را در شرایط وابسته به خود نگه‌دارند. مصادیق آن عبارت است از: پرداخت نکردن نفقه، خساست، کنترل وسواس گونه هزینه‌های منزل، دریافت اجباری حقوق زن، تأمین نکردن نیازهای ضروری همسر، سوءاستفاده از اموال و دارایی همسر و... اعمال خشونت اقتصادی علیه زنان از قبیل کنترل حساب‌های بانکی، عدم اجازه به اشتغال زنان و وابسته نگه‌داشتن آنان به مردان خود زمینه‌ها و چرخه‌های خشونت را بازتولید می‌کند. زیرا معمولا زنانی که از نظر مالی ناتوان و از بازار کار، اشتغال و استقلال مالی وامانده‌اند، فرمانبرتر از زنان دیگر هستند. خشونت اقتصادی در سطح کلان نیز می‌تواند مطرح شود، در سطح ساختار اقتصادی و اجتماعی و... نیز می‌توان مصادیقی از خشونت اقتصادی علیه زنان را ملاحظه کرد. در ساختار اشتغال کشور زنان نقش کمتری دارند. همچنین آنها دستمزد کمتری دریافت می‌کنند. یعنی در شرایط کاری مساوی با مردان، آنها از حقوق و مزایای کمتری برخوردار هستند. مصداق دیگر خشونت ساختاری می‌تواند این تصور و ذهنیت فرهنگی باشد که مردان را نان‌آور خانه می‌داند و بر همین اساس از زنان می‌خواهند برای جلوگیری از بیکارشدن مردان وارد عرصه و بازار کار نشوند. یا از زنانی هم که سر کار هستند می‌خواهند جای خود را به مردان بدهند. این فرهنگ نیز نوعی اعمال خشونت اقتصادی است. زیرا زنان زیادی وجود دارند که سرپرست خانوار هستند. آمار بیکاری منتشر شده توسط مرکز آمار کشور نشان می‌دهد که سهم زنان بسیار بیشتر از مردان است. تعداد کل شاغلین در اقتصاد ایران در بهار سال گذشته ۲۳ میلیون و ۵۷۷ هزار نفر برآورد شده است که نسبت بهار سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۹۸ هزار نفر کاهش داشته است. همین امر باعث شده تا نسبت تعداد شاغلین به کل جمعیت حاضر در سن کار از ۳۷. ۷ درصد به ۳۷. ۱ درصد برسد. به بیان ساده‌تر تنها کمی بیشتر از یک سوم کسانی که در سن کار قرار دارند شاغل هستند. از کل جمعیت شاغل کشور ۸۴. ۴ درصد سهم آقایان و ۱۵. ۶ درصد سهم بانوان است. تعداد زنان بیکار در بهار ۱۴۰۱ بالغ بر ۷۰۸ هزار نفر برآورد شده که نسبت به سال گذشته ۳۸ هزار نفر افزایش داشته است. آمار فوق به عنوان مشت نمونه خروار به وضوح موید نرخ بالای وابستگی اقتصادی زنان به مردان یا به عبارت دقیق‌تر وابستگی اقتصادی دختران و زنان بالای ۱۸ سال به پدران، همسران، برادران و کارفرمایان مرد است که با توجه به نرخ بالای حضور زنان شاغل در بازار غیررسمی و عدم بهره‌مندی از بیمه و مزایا این وضعیت شکننده بوده و وقتی در کنار آمار قابل توجه خروج و مهاجرت زنان تحصیل کرده و متخصص از کشور قرار می‌گیرد جامعه و سیاستگذاران را متوجه روندی می‌کند که باید هر چه زودتر مورد عنایت جدی قرار گیرد. با دانستن آنچه گذشت باید در پی راه برون رفت از این معضل کمتر شناخته شده و بهبود تدریجی و گام به گام بود و راه تحقق این مهم از بالا بردن آگاهی زنان و مردان از حقوق خود در قبال یکدیگر، تغییر نگرش‌ها، کنار گذاشتن تفاسیر غلط عجین شده با آنچه فرهنگ انگاشته می‌شود برای پذیرش خشونت از جانب زنان، گسترش باب گفت‌وگو و مذاکره در درون خانواده و اقناع حکومت‌ها برای طراحی، تصویب، اجرا و مهم‌تر از همه تضمین ضمانت اجرای قوانین بالادستی حامی حقوق زنان به ویژه حقوق اقتصادی آنها می‌گذرد. همین‌طور بالا رفتن تحصیلات، بر شیوه تربیت فرزندان و برخورد آنان با مسائل تنش‌زا در خانواده، مؤثر خواهد بود. تحصیلات زنان، سبب ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنان می‌شود و این امر، موجب استقلال اقتصادی آنان به عنوان یکی از منابع قدرت در خانواده می‌شود. در کشورهای اسلامی همچون کشور ما به دلیل حمایت بی‌چون چرای شرع اسلام از حق مالکیت زن و حضور او در همه شئون اجتماع زمینه برای حل این مشکل باید قاعدتا سهل‌تر باشد به شرط آنکه تلقیات برخی جانشین قانون نشود.

شهربانو امانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نسل جدید به دنبال زندگی با معیارهای جهانی است

به خواسته‌های زنان جامعه توجه کنید

برخورد قهرآمیز هزینه‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد

نسل جدید خود را با نسل‌های گذشته مقایسه نمی‌کند

برخی اصولگرایان برای عدم پاسخگویی درباره عملکردشان روی حجاب مانور تبلیغاتی می‌کنند

آرمان ملی - احسان انصاری: چگونه می‌توان تنش‌های ناشی از موضوع حجاب را در جامعه کاهش داد و سرمایه و اعتماد اجتماعی را افزایش داد؟ آیا رفتارشناسی گروه‌های اجتماعی در زمینه حجاب به شکلی است که به انسجام بیشتر جامعه کمک می‌کند؟ بهترین راه حل برای حجاب به عنوان یک مسأله فرهنگی و اجتماعی چیست و باید از چه مسیری حرکت کرد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با شهربانو امانی، فعال حوزه زنان و نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده است. امانی معتقد است: «در شرایط کنونی حجاب در کشور به یک مسأله سیاسی تبدیل شده که دیدگاه‌های مختلف درباره آن وجود دارد. دیدگاه‌هایی که هر کدام خود را بحق می‌دانند و بر این باور است که رویکردی که در پیش گرفته‌اند صحیح است. در شرایط کنونی جامعه بیش از هر زمان دیگری به آرامش و کاهش تنش‌های اجتماعی نیاز دارد. به همین دلیل تا آنجا که امکان دارد باید از ایجاد دوقطبی‌ها و تنش‌ها جلوگیری کرد و اجازه نداد این تنش‌ها ادامه پیدا کند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد رویکردی است که برخی تریبون‌داران در زمینه حجاب در پیش گرفته‌اند. کسانی که تریبون در اختیار دارند باید به این نکته توجه کنند که دیدگاه و صحبت‌هایی که آنها مطرح می‌کنند در جامعه بازتاب پیدا می‌کنند و به همین دلیل نیز باید دیدگاه‌های خود را به شکلی مطرح کنند که در جامعه وحدت ایجاد کنند و از دوقطبی کردن جامعه جلوگیری شود.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

دوربین‌های تشخیص حجاب در کشور راه‌اندازی شده و براساس آنچه نیروی انتظامی اعلام کرده در تشخیص چهره افراد نیز مشکلی وجود نخواهد داشت. دیدگاه شما درباره این موضوع و رویکردی که در مقابل حجاب در پیش گرفته شده چیست؟

حضرت امام(ره) در نوفل‌لوشاتو مواضع خود را درباره حجاب زنان و حضور زنان در جامعه عنوان کردند که مواضع روشنگرانه‌ای بود. با این وجود در سال‌های پس از انقلاب عده‌ای تندرو تلاش کردند حجاب را در کشور با فشار گسترش دهند. روشی نیز که این گروه در پیش گرفتند فشار برای با حجاب کردن زنان جامعه بود.

در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هیچ دولتی بر مبنای شایسته‌سالاری عمل نکرده است

پیشرفت کشور در گرو انتصاب افراد کاردان و کارآمد است

نباید مسئولیت‌های بزرگ را به افراد بی‌تجربه بسپاریم

آرمان ملی: اگر بخواهیم عملکرد دولت سیزدهم را پس از گذشت بیست ماه مورد نقد منصفانه قرار دهیم باید تمامی عملکردها را با هم ببینیم و به قول معروف به سیاه و سفیدها یکسان بنگریم. از این جهت می‌توان گفت دولت رئیسی به رغم اقدامات و تلاش‌هایی که در حوزه‌های مختلف به ویژه در راستای حل مشکلات اقتصادی داشته اما به واقع نتوانسته آنطور که باید و شاید شرایط معیشتی جامعه را بهبود بخشد که این خود موجب بروز نارضایتی در جامعه شده است. بسیاری معتقدند تغییرات در دولت به ویژه در حوزه اقتصادی می‌تواند شرایط را بهبود بخشد. هر چند که به نظر می‌رسد مشکل اصلی در برنامه‌هاست که همزمان با نفرات باید تغییر کند. در این راستا برای بررسی عملکرد دولت، انتقادات نوع عملکردها و نوع نگرش مجلس «آرمان ملی» با امیر رضا وعظی آشتیانی، فعال سیاسی اصولگرا و معاون وزیر صنعت در دولت نهم به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

انتظار می‌رفت که بنابر شعارهای مطرح شده از سوی رئیس جمهور دولتی روی کار آید که بتواند شرایط را نسبت به گذشته تغییر دهد؛ اما عملکرد وزرا و تیم اقتصادی باعث شد تا حتی بهارستان‌نشینان نیز امروز به سمت استفاده از ابزارهای نظارتی جهت پاسخگو کردن دولت بروند؛ ارزیابی شما از این شرایط چگونه است؟

متاسفانه در ادوار دولت‌های گذشته تاکنون ما شایسته‌سالاری را زیر سوال برده‌ایم و دولتی را ندیدیم که انصافا بر مبنای شایسته‌سالاری کار کند و افراد کاردان، کارآمد، با تجربه و افرادی که در حوزه مدیریت تجربیات مفید و موثر داشتند را استفاده کند. بله باید از نیروهای جوان‌تر هم استفاده شود و تربیت نیروی جوان داشته باشیم و تلاشمان بر این باشد که جایگزینی و نخبه پروری کنیم در این مساله شکی نیست. اما این به این معنا نیست که مسئولیت‌های بزرگ را یکباره به کسانی بسپریم که حتی رئیس اداره هم نبودند و این خیلی می‌تواند اثر منفی داشته باشد. ما وقتی می‌خواهیم کشور را اداره کنیم و حکمرانی مدیریتی داشته باشیم باید یک حکمرانی مبتنی بر تجربه، علم و عقلانیت باشد. لذا تجربه را نمی‌توانیم فراموش کنیم. هر چند که تجربه‌ای را تجربه می‌دانیم که با شرایط روز جلو آمده باشد و در عین حال هر گذران زمانی را نمی‌توان تجربه در نظر گرفت. اگر امروز تغییراتی را در دولت می‌بینیم به دلیل عدم دقت عمل در انتخاب افراد بوده است. ای کاش روز اول در انتخاب وزرا دقت بیشتری می‌شد که یکباره شاهد چنین تغییراتی نباشیم، هرچند که این تغییرات کار منطقی بوده که باید شکل می‌گرفته و شکی در آن نیست. ولی در این بین باید مجلس را نیز مورد خطاب قرار دهیم؛ معنا و مفهوم حمایت کردن از دولت این نیست که هر کسی از جانب دولت حمایت شد مجلس دربست به او رای بدهد. مجلس باید نگاه می‌کرد و برای رای اعتماد به وزرا شاخصه‌هایی را در نظر می‌گرفت. همین‌طور که دولت در انتخاب افراد برای خود شاخصی داشته؛ مجلس نیز باید در رای اعتماد به وزرا شاخصی برای خود می‌داشت که امروز با این مشکلات مواجه نمی‌شدیم. ما حتی در ادوار گذشته نیز شاهد بودیم که مجالس ما چشم بسته به اکثریت قاطع وزرا رای داده‌اند و این تلنگری به مجلس است که حتی اگر دولتی به لحاظ سیاسی همسویی دارد دلیل بر این نمی‌شود که به وزرایی رای بدهد که کارآمدی آنها در گذشته زیر سوال بوده یا اینکه اصلا تجربه‌ای نداشتند و این خود می‌تواند صدماتی به کشور وارد کند. اگر بناست کارآمدی و پیشرفت را در کشور مدنظر داشته باشیم باید به سمت استفاده از نیروهای متعهد، کارآمد و مدیرانی که توانایی اجرا داشته باشند برویم. از طرفی کسی که رئیس‌جمهور یا نماینده مجلس می‌شود و به هر ترتیب از سوی مردم انتخابی می‌شود باید هم مدیرانی کارآمد انتخاب کند و هم شاخصه‌های یک مدیر کارآمد را در برنامه‌های خود داشته باشد. اینکه احیانا بخواهند با آزمون و خطا افرادی را انتخاب کنند که یا خود وزرا احساس عدم کارآمدی کنند یا اینکه مجلس و دولت بخواهند آنها را تغییر دهند. به هر صورت ما این تغییرات را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم که این مهم در مسیر درست انجام بگیرد و در عین حال هم واقعیتی که وجود داشت پس از شش ماه گذشته از دولت مشخص بود که تیم اقتصادی دولت چندان تیم منسجمی نیست که بتواند خود را با سرعتی که رئیس‌جمهور برایشان ترسیم کرده تنظیم کنند. امیدوارم تغییرات و انتخاب افراد جایگزین بهتر از قبلی‌ها باشد و اینگونه نباشد کسانی انتخاب شوند به هر جهت نسبت به وزرای قبلی کارآمدی کمتری داشته باشند. مجلس نیز باید دقت نظر بالایی در نوع نظارت و رای اعتماد خود داشته باشد.

معنا و مفهوم حمایت کردن از دولت این نیست که هر کسی از جانب دولت حمایت شد مجلس دربست به او رای بدهد. مجلس باید نگاه می‌کرد و برای رای اعتماد به وزرا شاخصه‌هایی را در نظر می‌گرفت. همین‌طور که دولت در انتخاب افراد برای خود شاخصی داشته؛ مجلس نیز باید در رای اعتماد به وزرا شاخصی برای خود می‌داشت که امروز با این مشکلات مواجه نمی‌شدیم

دولت سیزدهم قرار بود بر مبنای وعده‌ها و شعارهای رئیس‌جمهور با برنامه‌های مدون در جهت حل مشکلات اقتصادی در حوزه‌های